



ما می‌گوییم:

(۱) سماعة بن مهران تاجر ابریشم بوده و لذا شخصاً به شغل شکال درندگان مشغول نبوده است.^۱

(۲) اما از کجا استفاده شده است که این قضیه شخصی است؟

اگر مراد آن است که در شخص سماعه حکم وارد شده و بس، این مطلب به حکم قاعده اشتراک مسلمانان در حکم منتفی است. و اگر مراد آن است که در موضوع یک جلد خاص سؤال شده است، این مطلب با «جلود السباع» و اینکه امام آن را به نحو کلی به دو قسم میته و مذکی تقسیم کرده است، سازگار نیست.

توجه شود که قضایای شرعیه گاه حکم اولی است و گاه حکم حکومتی یا قضاوت موردی. و قضایای شخصی هم گاه به سبب مکلف خاص شخصی شده است و گاه به سبب موضوع خاص. در حکم اولی تنها اگر حکم در موضوع شخصی وارد شده باشد، و ما موضوع را به تمام جهات آن شناسیم و نتوانیم از آن الغاء خصوصیت کنیم، اطلاق گیری با شکل مواجه است ولی در حکم های حکومتی و قضاوت ها، اگر حکم نسبت به مکلف خاص باشد سریان حکم به همه مکلفین ممکن نیست.

